

#### جک نیکلسون



واقعاً چه کسی بهتر از این هنرپیشه استثنایی و استاد فرو رفتن در قالب‌های مالیخولیایی می‌تواند نمادی کامل از دیوانگی‌های جذاب ژوکر باشد و اگر در نسل‌های بعدی و دو دهه بعد از نمایش حرفه‌ای نیکلسون در «بت‌من یک» هیت لجر استرالیایی از این هنرمند آمریکایی (اینک ۸۴ ساله) در ایفای رل ژوکر فراتر رفت، فقط به این سبب بود که کریستوفر نولان سهم و ذائق بسیار بیشتری را به این کاراکتر در قیاس با مدت بسیار کوتاه‌تر حضور نیکلسون در نسخه سال ۱۹۸۹ تیم برتون اختصاص داد و او را از هر جهت آزاد گذاشت.

نیکلسون قبل از تبدیل شدن به ژوکر در اولین قسمت از چهارگانه بت‌منی تیم برتون، دنیا را با نمایش‌های طوفانی و عالی‌اش فتح کرده و ۹ بار کاندیدای اسکار شده و دو مرتبه آن را با تصاحب این مجسمه طلایی همراه ساخته بود و بنابراین برتون و دستیارانش چیزی را برای دیکته کردن به چنین مردی نداشتند؛ مرد فوق‌العاده‌ای که تبدیل شدنش به تنها آدم عاقل در دیوانه‌خانه «کسی از روی آشیانه فاخته پرید» (۱۹۷۵) و تنها قاتل خوفناک هتل متروکه و پرت افتاده فیلم «درخشش» (۱۹۸۰) او را به بهترین شکل برای تبدیل شدن به ژوکر هم مهیا کرده بود. «ژوکر نیکلسون» هر بار توضیحات متفاوتی درباره بافت وجودی و ریشه‌های شکل‌گیری اش ارائه می‌کند ولی تیم برتون و نیک دادمن، گرمور فیلم «بت‌من یک» به این نتیجه رسیدند که گریم نیکلسون آنقدر غلیظ نباشد که لیخند واقعی و همیشگی و معروف این بازیگر چنان محو شود که اصلاً به چشم نیاید و قربانی ماجرای ترسیم لیخند شیطانی ژوکر شود.

برتون، نیکلسون و سم‌هام، سناریست «بت‌من یک» برای ترسیم ژوکر به شکل دلخواه‌شان از شاخصه‌های فیلم «جوک مرگبار» ساخته آلن مور بهره جستند و در نهایت ژوکرِ ندوبین و ارائه شد که با ویژگی‌های دیوانه‌وار گوتام سیتی همخوانی کاملی دارد و توگویی «متروپولیس» شاهکار کلاسیک اواخر دهه ۱۹۲۰ فریتز لانگ را بازسازی کرده‌اند. نیکلسون البته با سوزن زدن به پشت کله مخالفان ژوکر و با حرکات افراطی این کاراکتر، بینندگان «بت‌من یک» و بویژه جوان‌ترها را شوکه کرد و با اینکه برخی می‌گفتند او مانند سزار رومرو بیشتر به نمایشگری و پوسته‌های بیرونی رل ژوکر پرداخته اما نیکلسون، پوچ‌گراییِ این قاتل خودشیفته و دیوانه اجتماعی را بسیار بیشتر و بهتر عیان ساخت و کاری کرد که کمتر ژوکر دیگری انجام داده و آن حجیم‌تر کردن کاراکتر ژوکر به قصد جای دادن مصداق شیطانی خودش درون این شخصیت و به واقع تبدیل ژوکر به نیکلسون بود! کاری که فقط از آکتورهای بزرگ برمی‌آید.

#### سزار رومرو



این هنرپیشه کوبایی‌تبار هرگز حاضر نشد سبیل قیطانی و ویژه دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ خود را برای ایفای هر چه بهتر رل ژوکر بتراشد و زور استودیوهای سازنده این سری آثار هم به او نرسید اما واقعیت امر این است که تصویر و تجسم ارائه شده او از ژوکر همخوانی کاملی با تعبیر موجود از وی در کمیک‌بوک‌های چاپ شده درباره بت‌من داشت و او را مصداق کاملی از این نقش واز این موجود نشان داد.

رومرو هم در دو مجموعه تلویزیونی و هم در تک فیلم سینمایی‌ای که از روی آنها ساخته و روانه بازار شد، نوعی شیظنت کودکانه را صرف ایفای رل ژوکر کرد و برخی این را نپسندیدند و آن را یک نمایش کارتونی ولی با بازیگران زنده توصیف کردند. شاید توصیف متصفانه‌تر این باشد که بگوییم کیفیت نمایش رومرو از نوع ارائه کاراکتر پنگوئن توسط برگس مره‌دیت در همان سال‌ها و در همان آثار نازل‌تر و کوچک‌تر نبود. در تک فیلم سینمایی بت‌من مرتبط با آن ایام (اواخر دهه ۱۹۶۰) ژوکر، پنگوئن، ریدلر و زن گربه‌ای (کت وومن) دست به دست هم می‌دهند تا بعضی رهبران جهانی را که به اجلاس سازمان ملل در نیویورک آمده‌اند، بربایند و دنیا را از این طریق دچار هرج و مرج کنند اما بت‌من و همکاران‌ترش راابین، این نقشه پلید را خنثی و دنیا را دوباره ایمن می‌سازند. چیزی که سادگی آن نه در جهانی واقعی بلکه فقط در قالب کمیک‌بوک‌ها قابل عرضه و پذیرش است.

#### همراه باهمه «ژوکر»های تاریخ

# این دل‌لق جذاب مالیخولیایی

وصال روحانی

خیرنگر

یک مشخصه بسیار مهم مجموعه‌های تلویزیونی و سری فیلم‌های کمیک استریپی «بت‌من»، همواره وجود یکی از دشمنان اصلی و بزرگ وی به نام ژوکر بوده است. درست است که پنگوئن کوتاه‌قد و چاق و هارلی کویین بلندقامت و چالاک و همچنین ریدلرو «Catwoman» نیز یارهای بت‌من را عاصی کرده‌اند اما ژوکر خطرناک ترین آنها بوده و فرد دلقک‌واری که باهر لیخند طعنه آمیزش سلسله قواعد جهان و روش‌های زیست اجتماعی را به سخره می‌گیرد و پیوسته خلاف می‌کند تا گوتام سیتی (شهر محل استقرار بت‌من و چیزی شبیه به نیویورک) همیشه در ولوله‌ای غرق باشد که مشخصه و لازمه اول فسادها است. از دیرباز و همسوا با شروع تولید فیلم‌ها و سریال‌های مرتبط با مرد خفاشی، این سؤال مهم نیز خودنمایی کرده که ایفای نقش ژوکر، این فرد بسیار مهم دوئل کننده بابت‌من چه کسی باشد و کیست که بتواند درواری صورت رنگ آمیزی شده‌اش، احساس‌هایی را ساطع و منعکس کند که فقط از چنین کاراکتری برمی‌آید. شاید ژوکر محبوب خیلی‌ها نباشد اما لقب پول‌سازترین چهره با تاریخ سینما سزاراوارا است و فقط دارت ویدر موجود غیرانسانی و پدیده فلزی منفی و نابودگر فرانچیز۹ گانه «جنگ ستارگان» به لحاظ پول‌سازی از او فراتر رفته است. شاید نوع بازی جارد لتو در نقش ژوکر در نسخه‌های

دوگانه «جوخه خودکشی» در نیمه دوم دهه ۲۰۱۰ مخالفت‌هایی را برانگیخته باشد اما حتی قسمت اول این فیلم نیز بیش از ۸۰۰ میلیون دلار در جهان فروخت و با این اوصاف جای تعجب ندارد که در سال ۲۰۱۹ سرانجام نخستین فیلم مستقل پیرامون «ژوکر» هم ساخته و اکران شد و این یکی حتی از مرز ۷۲ میلیارد دلار فروش گذشت و کاندیدای چند جایزه اسکار شد و ژواکین فی‌نیکس ایفاگر رل دشمن نخست مرد خفاشی آن‌قدر در کارش موفق بود که جایزه اسکار برترین بازیگر نقش اول سال را تصاحب کرد. البته ژوکر به تصویر کشیده شده در این فیلم به کلی متفاوت با شناسایی‌های قبلی از وی است و او در این فیلم کارگردانی شده توسط تاد فیلیپس بیش از آنکه دشمن صرف مرد خفاشی و همان ژوکر معروف باشد، نمونه

#### هیت لجر

این بازیگر استرالیایی که در ۲۸ سالگی فقط چند ماه پس از اتمام بازی جادویی‌اش در نقش ژوکر در دومین قسمت از سه‌گانه بت‌منی کریستوفر نولان جوانمرگ شد و زنده نماند تا ماه‌ها بعد جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش دوم سال ۲۰۰۸ را شخصاً بگیرد (این جایزه به وابستگی وی اهدا شد)، همیشه می‌گفت که لزوماً دوستدار فیلم‌های کمیک بوکی نیست اما این تریلوزی نه یک کار عادی از این دست بلکه کنکاش عمیق نولان در چگونگی پدید آمدن بت‌من و تبدیل کاراکتر بروس وین به مرد خفاشی و به تبع آن وسیله‌ای برای ترسیم دشمنان درجه اول او و بخصوص ژوکر بود. امثال رابین ویلیامز و آدریان برادی به‌شدت کوشیدند رضایت نولان را برای اینکه ایفاگر رل ژوکر در تریلوزی او باشند، بگیرند اما نولان، لجر را چنان ترجیح می‌داد که قبل از شروع ساخت فیلم اول («بت‌من آغاز می‌کند» محصول ۲۰۰۵) به وی حتی پیشنهاد بازی در رل اصلی یعنی فرورفتن در قالب بت‌من را داده بود. نولان و لجر در امر ترسیم ژوکر با ایده آل‌ن‌مور کنار آمده‌ند که می‌گوید ژوکر آن‌قدر به پوچی زندگی روی کره خاکی اعتقاد دارد که حاضر است با زندگی همگان و حتی خودش خطرناک‌ترین ریسک‌ها و بازی‌ها را صورت بدهد. این چنین است که «ژوکر هیت لجر» از همه حد و مرزها عبور می‌کند و این ادعا را که جامعه امریکا در پی سلامت‌سازی خویش است، به چالش می‌کشد. او فراتر از اینها کاراکتر بدی را خلق می‌کند که از بارزترین آنها در سال‌های معاصر و یک چیز ابدی است و با فرهنگ عوام پیوند خورده و آیشخور آن شده است. در «بت‌من آغاز می‌کند» کاراکتر ایفا شده توسط لیام نیسون مردی مغل آسایش

#### جارد لتو

اگر «ژوکر هیت لجر» با صلاحدید کریستوفر نولان نماد و شاهزاده غریب جنایت‌ها و تخلف‌ها است، ژوکر با بازی جارد لتو در فیلم‌های «جوخه خودکشی» با کارگردانی دیوید آپر-مردی است که بدش نمی‌آید انگاره‌های فرهنگی این عصر را به بازی بگیرد و دنیا را تکان بدهد اما دید او با لزوم یک ویرانی کامل برای جهان و جهانیان همراه نیست. شاید هم بهتر باشد بگوییم ژوکر با بازی جارد لتو ادغامی از کاراکتر تونی مونتانا با بازی

آل‌پاچینو در فیلم «صورت زخمی» و یک بیگانه‌فضایی با بازی جیمز فرانکو در فیلم «شکندگان بهار» است. جارد لتو فقط یک‌سال پیش از اکران «جوخه خودکشی» جایزه اسکار برترین هنرپیشه نقش دوم سال را برای بازی در رل یک فرد مبتلا به ایدز در فیلم «باشگاه خریداران دلاس» تصاحب کرده بود و «جوخه خودکشی» بیش از هر چیز به‌عنوان اولین فیلم بلند محل ظهور هارلی کویین یکی از دشمنان بزرگ بت‌من معرفی شده و در مرکز توجه قرار گرفته ولی هنر لتو در به تصویر کشیدن ژوکر به حدی است که حتی در فیلم معرفی‌کننده کویین (با بازی مارگوت رابی) نه تنها بازی جلب‌توجه را به وی نمی‌بازد، بلکه از



او پیشی می‌گیرد. این در حالی‌روی می‌دهد که لتو در دو دهه اخیر بیش از آنکه هنرپیشه سینما بوده باشد، به دیگر عشق و حرفه هنری خویش که همانا ترانه‌سرایی و خوانندگی است، پرداخته است. با اینکه بازی هیت لجر در رل ژوکر همان‌طور که بیشتر آورده‌یم، یک کولاک هنری و شاهکار نمایشی توصیف شده اما کریستوفر نولان از اینکه او در هر یک از برداشت‌های صحنه‌های مرتبط با وی از رل خارج می‌شود با آن نمی‌زیست، ناراضی بود و اتفاقاً در این وجه از قضیه جارد لتو با یک موضع‌گیری ۱۸۰ درجه مخالف در تمامی ساعات روزهای تصویربرداری «جوخه خودکشی» در نقش ژوکر می‌زیست و از آن خارج نمی‌شد. ویولا

- شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۹
- سال بیست و هفتم
- شماره ۷۵۸۲

#### خواکین فینیکس



موفقیت غریب و عظیم خواکین فینیکس در ترسیم ژوکر در فیلمی با همین نام و محصول ۲۰۱۹ و ساخته تاد فیلیپس فقط نشانگر استادی کم نظیر این هنرپیشه عمیق در فرورفتن در هر قالبی است که از او طلب شود وگر نه او همان فردی است که پیشنهاد پرصرفه بازی در نقش «دکتر استرنج» را در سال ۲۰۱۵ رد کرد و به وضوح گفت دوستدار کارهای کمیک بوکی نیست و افزود اگر چه سهم عظیم کمپانی مارول و سایر تولیدکنندگان فیلم‌های کمیک استریپی را در استمرار هرچه بیشتر حرکت چرخه‌های اقتصادی هالیوود پاس می‌دارد اما معتقد است رواج اینگونه فیلم‌ها اگرچه دنیایی پول را سبب می‌شود اما از نظر او آثار مخرب فراوانی هم دارد و مهم‌ترین آنها خالی کردن صحنه و عرصه سینما از ایده‌های اساسی‌تر و بارزش‌تر و به تبع آن تهی و توخالی شدن هرچه بیشتر هفتم است. البته «ژوکر» پدیده بزرگ سینمای سال ۲۰۱۹ جهان که آثار روحی – انگیزشی آن بر هنر سینما همچنان ادامه دارد، باوجود تمرکز بر کاراکتر ژوکر بیش از آنکه یک فیلم کمیک استریپی باشد، یک کار به‌کلی متفاوت و تشریح‌کننده این نکته و اتفاق است که اگر روزی یک هنرمند را محدود کنند و به هنرهایش بها داده نشود، به چه میزان احتمال دارد که دی به سوی یاس مطلق و در پی آن تخلف‌های متنوع ورود واز یک آدم ذاتاً سلامتی‌خواه تبدیل به مرد انتقامجویی همچون ژوکر شود که مایل است کل جامعه را سرکوب کند تا حقوق به تاراج رفته وی تنها محصول حاکم نبودن ارزش‌های لازم بر اجتماع نباشد و این بازی خطرناک قربانیان بسیار بیشتری را موجب گردد. خواکین فینیکس ذاتاً یک بازیگر عمیق کمال‌طلب و یک «کاراکتر – آکتور» حرفه‌ای است که اگر هم امروز و پس از توفیق شگرف ژوکر از او به‌عنوان یک ستاره سینما یاد می‌شود، راضی به این قضیه نیست و ترجیح می‌دهد که او را یکی از سلبریتی‌ها نینگارد زیرا با روحیات او در تعارض کامل قرار دارد.

خواکین از کودکی وارد حرفه سینما شد و پس از جوانمرگ شدن برادرش ریور فینیکس نشان داد که استعداد واقعی و برتر در خاندان فینیکس، اوست و نه ریور و نه هیچ فرد دیگری. اگر جز این بود خواکین فینیکس در فیلم‌های خاصی مثل «مردن برای»، «۸ میلی‌متر» و «استاد» نمی‌درخشید و برای «گلادیاتور» و «Walk The Line») کاندیدای اسکار نمی‌شد و اهمیت «Walk The Line» در این است که خواکین نه تنها در این فیلم در تبدیل شدن به جانی‌کش، خواننده فقید آواهای محلی امریکا کاملاً موفق است بلکه آوازاها در سر صحنه و بواقع اجراهای زنده ترانه‌ها در این فیلم را شخصاً می‌خواند و خبری از لب زدن او وادار آوردن نیست. «ژوکر فینیکس» مردی است که از همه نامردی‌ها در جهان غرب به سوه آمده و چون قادر به تصحیح و ترمیم جامعه نیست، به سوی تیرگی‌ها می‌گراید و تبدیل به ژوکر می‌شود که اگر قرار بود بت‌من از خاستگاه و ریشه‌های وجودی وی باخبر باشد، شاید به چنین نتیجه‌گیری و فردی می‌رسید. این فیلم البته فقط محصول نگاه طعنه‌آید تاد فیلیپس به ژوکر و کل مقوله فیلم‌های کمیک‌استریپی است وگر نه امکان نداشت خواکین بیش از حد واقعیت‌گر ا به حضور در آن رضایت دهد و به همین سبب و روال دور از ذهن‌ترین چیز این است که تصور کنیم سازندگان بت‌من‌های جدید و تولیدکنندگان ژوکرهای تازه فینیکس را باز برای ایفای این رل فراخوانند و او بپذیرد. وی مردی است که شخصیت غریب و کاراکتر هنری‌اش فقط با بازی در آثاری مانند «تو هرگز اینجا نبودی» کار روانکاوانه و جامعه‌پردازانه سال ۲۰۱۸ لین رمزی تجلی و تکامل می‌یابد و نه با دنیای سطحی و گاه شکیف فیلم‌های کمیک استریپی که در آن اوضاع و اتفاقات به قدری غیرواقعی و رؤیایی است که انگار کل بشر و به‌طور اخص هنردوستان به آسانی می‌پذیرند فقط «ابرقهرمانی» مثل بت‌من و «بزرگ خلاقکارانی» مانند ژوکر قادرند دنیا را در دست بگیرند و تنها در ستیز نهایی آنها است که مشخص می‌شود بازی در دست کیست و جهان به کدام سوی می‌رود و ژوکرها تا چه میزان نفوذ دارند.

#### مارک همیل



این بازیگر امریکایی که اینک در مرز ۷۰ سالگی است، هنوز و البته برای همیشه به عنوان ایفاگر رل کلیدی لوک اسکای واکر در فیلم‌های ۹ گانه وفانتزی و فضایی «جنگ ستارگان» و برخی آثار مشتق شده از آن به حساب می‌آید اما او پیشینه صدایشگی برای کاراکتر ژوکر در مجموعه تلویزیونی بت‌من یا فیلم‌های سینمایی بت‌منی ساخته شده برای این مدیوم را دارد و حتی در بازی‌های ویدئویی «آرکام» که از لحن تندتری برخوردار است و همچنین در اقتباس کارتونی سال ۲۰۱۶ از فیلم «شوخی مرگبار» نیز به جای ژوکر صحبت کرده است. مجموعه «بت‌من: سریال کارتونی» ابتدا از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ و سپس از ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ به نمایش درآمد و صدای همیل در آن کامل کننده کاراکتر ژوکر بود که طبعاً حیله‌گری‌های آن در تضاد کامل با شخصیت سرراست و مثبت اسکای واکر قرار داشت. شاید هم همیل پس از اتمام تریلوزی اول «استار وارز» و پیش از تولید تریلوزی‌های دوم و سوم آنقدر بی‌مشتی مانده بود که چاره‌ای جز پذیرش پیشنهاد صدایشگی را برای ژوکر نداشت و کارش به جایی رسیده بود که در اوایل دهه ۱۹۹۰ فقط در مجموعه متوسط و کمیک بوکی «فلش» از او بهره‌گیری می‌شد ولی این را هم باید اذعان داشت که او برخلاف تصورات اولیه بخوبی توانست در حرفه صدایشگی هم ابراز صلاحیت کند و طوری بدرخشد که کمتر دوستداری از مجموعه‌های استار وارز می‌توانست باور کند صدای ژوکر در سریال‌های تلویزیونی مورد بحث به‌وی تعلی دارد. کاراکتر ژوکر او در این فیلم‌ها معمولاً هیچ کم و کاستی ندارد و حتی گاهی جوک‌های بانمک می‌گفت. زمانی هم که ژوکر در «نقاب فانتزی» قدری عمیق‌تر و برحسب روحیات و شهرتش فردی تندروتر شد، همیل خصوصیات شیطانی چنین فردی را با صدایش بخوبی عیان ساخت. شاید مجموعه «بت‌من: سریال کارتونی» کاراکترهایی کویین را به جمع دشمنان سرسخت بت‌من اضافه کرده ووی را جلا و صیقل بیشتری داده باشد اما همیل و نوع گویش او برای ژوکر از دلایل اصلی توفیق این مجموعه و سایر کارهای بت‌منی مرتبط با همیل است بخصوص که وی بخوبی آموخت که چگونه ترکیبی از واقعیت و خیال و شیرینی و تلخی را در ترسیم ژوکر به دست بدهد.